

## فرایند شکل‌گیری مسئولیت‌گریزی شهروندی

### (بر اساس تئوری رفتار منطقی و جنبه‌های مشارکتی در ایران)

مریم جوادی<sup>۱</sup>

ملیحه شیانی<sup>۲</sup>

#### چکیده

موضوع مسئولیت‌گریزی افراد یا شهروندان از جمله موضوعات مهم و چالشی اجتماعی و مدیریت شهری امروز است، آنجا که نهادهای رسمی و سازمان‌ها با عدم مشارکت شهروندان در تحقق برنامه و همکاری‌های اجتماعی شان مواجه می‌شوند و به دنبال راه‌های تشویقی و یا تنبیهی برای افزایش میزان مشارکت شهروندان و کاهش مسئولیت‌گریزی آن‌ها می‌باشند، اما این امر محقق نمی‌شود! از آنجا که در برابر حقوق برای هر شهروند وظایف و مسئولیتی بر وی قرار دارد و علی‌رغم صرف هزینه‌های کلان شهری و اجتماعی به مشارکت شهروندان در انجام مسئولیت‌های اجتماعی و شهروندی شان، متأسفانه فرهنگ زرتنگ بودن، دور زدن و مسئولیت‌گریزی نمود بیشتری دارد، که به دنبال بررسی این موضوع در این مقاله با بهره‌گیری از روش اسنادی و مطالعات تجربی و با لحاظ نمودن سه محور کنش جمعی، تئوری رفتارهای منطقی و رویکردهای مشارکتی، انجام پذیرفته است. همچنان که در مقاله نشان داده شده، برخی عوامل ساختاری و کلان از جمله حقوق شهروندی، مسئله کنش جمعی و تناقض‌های رفتاری و مشارکتی (عرصه رسمی و غیر رسمی) در فرایند شکل‌گیری مسئولیت‌گریزی شهروندی نقش ایفا می‌کنند که در قالب مدل/نمودار ارائه گردیده است.

**واژه‌های کلیدی:** مسئولیت‌گریزی، شهروندی، رفتار منطقی، تناقض مشارکتی، فرایند.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

[maryam.javadi@srbiau.ac.ir](mailto:maryam.javadi@srbiau.ac.ir)

۲. دانشیار گروه توسعه و سیاستگذاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، ایران [mshiani@ut.ac.ir](mailto:mshiani@ut.ac.ir)

## ۱. مقدمه

امروزه انسان برای تامین نیازهای خود به صورت جمعی، نیازمند رعایت اصول و وظایفی است، که تحت عنوان اصول شهروندی شناخته می‌شود. اصولی که پیوندهای میان فرد و جامعه را در قالب حقوق، تعهدات و مسئولیت‌ها منعکس می‌سازد و چارچوبی را برای تعامل میان افراد، گروه‌ها و نهادها فراهم می‌کند و در قالب فرهنگ شهروندی برای افراد درونی می‌شود (گنجی و دیگران، ۱۳۹۴: ۳). همچنین مسئولیت‌پذیری یکی از مهمترین ویژگی‌های شخصیتی هر فردی است که در موفقیت او نیز نقش بسزایی دارد. مسئولیت‌پذیری یک الزام و تعهد درونی برای انجام مطلوب همه فعالیت‌هایی است که فرد بر عهده‌اش می‌گیرد. متأسفانه کم‌ندیده و نشنیده‌ایم از زنان و مردان که مسئولیت‌گریزند و با توسل به ترفندهای متفاوت تلاش می‌کنند از پذیرش تعهد فرار کنند. نقش فرایند مسئولیت‌پذیری یا مسئولیت‌گریزی هر شهروند در جامعه متأثر از نگرش فردی و واکنش رفتاری دیگران است. به طوری که گاه فرد از اینکه نسبت به امر یا تکلیفی، مسئولیتی دارد آگاه است اما از آنجا که در واکنش رفتاری دیگران گاه مورد قضاوت متفاوتی قرار می‌گیرد ممکن است متضاد از نگرش خودش و هم‌جهت با انتظارات دیگران عمل کند. به عبارتی در اینجا مسئولیت‌گریزی بصورت انتخابی یا آگاهانه رخ می‌دهد. در صورتی که یک شهروند در مقابل جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، مسئول است.

از آنجا که مسئولیت‌های شهروندی و احساس مسئولیت با مسائل جامعه ما در هم تنیده شده است و زرنک بودن، اهمال‌کاری، سواری‌مجانگی و مسئولیت‌گریزی امری ارزشی به جای ضد ارزشی تبدیل شده است. لازمه مطالعاتی و بررسی این تحقیق را دوچندان می‌کند، که در این نوشتار در فرایند مربوط به مسئولیت‌پذیری/ناپذیری و گریزی شهروندان سه موضوع کنش جمعی، تئوری‌های منطقی و قصدهای رفتاری و دیدگاه‌های مشارکتی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و در نهایت مدل فرآیندی مسئولیت‌شهروندی ارائه می‌گردد.

## ۲. تاریخچه شکل‌گیری شهروندی و مروری بر مطالعات گذشته

روند شکل‌گیری شهروندی:

شهروندی امروزی با بحث درباره دخالت افراد در شکل‌دادن به قوانین و تصمیمات جامعه سروکار دارد و بدنبال آن است که چگونه مسائل حق و تکلیف، با طیف گسترده فعالیت‌هایی که در زندگی روزمره شاهد هستیم، ارتباط می‌یابد؟ چگونه و در چه شرایطی افراد مسئولیت‌گریزی در وظایف و تعهداتشان را انتخاب نموده و حتی گاه آن را به رفتاری مثبت (شیوه‌های دور زدن، زرنک‌بازی) تلقی می‌کنند با وجود آنکه رعایت و مسئول بودن را از مهم‌ترین آیتم‌های شهروندی، مدنیت و توسعه شهری می‌دانند!.. برای آگاهی دقیق‌تر از ارزش‌های شهروندی لازم است سیر تاریخی مراحل تحولات شهروندی را در جوامعی که این تحولات صورت گرفته است مورد توجه قرار دهیم، اولین شهرهای مستقل متکی به شهروندی یا پلیس‌ها در بین‌النهرین و به طور دقیق در تمدن سومر شکل گرفته و پا به عرصه حیات

گذارده است (پیران، ۱۷، ۱۳۸۰). با نابودی این تمدن، مفهوم شهروندی هم از بین رفته و بعدها در تمدن آتن احیا شده است (فالکس، ۱۳۸۱). به منظور تجمیع این روند تاریخی روند شکل گیری در سه دوره باستان، قرون وسطی و معاصر را در جدول زیر آورده شده است.

### جدول ۱- مفهوم شهروندی در دوره های باستان، قرون وسطی و معاصر

شهروندی در دوره باستان	شهروندی در دوره قرون وسطی	شهروندی در دوره معاصر
سپتیه، اجتماع سیاسی کوچکی بود که اعضا یا ساکنین، از طریق نهادهای مذهبی و سیاسی مشترک آن را اداره می کردند.	کلیسا همچون محوری برای هدایت اخلاقی و وفاداری، جایگزین اجتماع سیاسی	مارکس به پیروی از آدام اسمیت، جامعه مدنی را ابتدا با تعامل اقتصادی از طریق بازار یکی می داند.
افراد دارای وظایف و مسئولیت های مربوط به آن شهر بودند و در آیین ها و مراسم شرکت می کردند.	افراد، بخشی از حقوقی را که در وضع طبیعی از آن برخوردارند، به حاکم واگذار می کنند.	فراهم کردن آزادی های ظاهری، قدرت طبقه حاکم را تثبیت می کند.
ارتباط میان جنگ، شهروندی و جنس مذکر برقرار شد.	به عنوان ایدئولوژی مسلط شهروندی، بر ماهیت اساساً مساوات گرایانه و همگانی آن تأکید نمود	حس روبه افزایش ملی گرایی و اخلاق گرایی و فرآیند استعمارزدایی
تعهدات عموماً شکل وظایف قانونی نداشتن بلکه شهروندان آنها را فرصت هایی برای با فضیلت شدن و خدمت به جامعه می دانستند.	شهروندی به طور تنگاتنگی به نهاد "دولت-ملت" مقید گردید.	تغییر و تحول در اشکال پارلمانی قانونی با حدود ثابت شهروندی
بخشی از ارزش ها و هنجارهای رفتاری افراد و از طرفی دیگر، شهروندی و دولت شهر یکی و یکسان بودند.	شهروندی در بردارنده خدمت به ملت از طریق نمایش فضیلت مدنی و تعهد نظامی	پیشرفت قوی سیاسی، آموزش

البته باید توجه داشت که مفهوم شهروندی، نه مفهومی ثابت است و نه می توان آن را صرفاً به دیدگاه واحدی مانند لیبرالیسم، که به لحاظ تاریخی یکی از زمینه های اصلی پیدایش این مفهوم بود، منسوب

کرد. لیبرالیسم یکی از زنجیره‌های فکری در باب شهروندی را فراهم آورده است، اما در قرن نوزدهم، زنجیر فکری دیگری در این مورد به طور عمده توسط مارکس پدید آمد. مارکس به پیروی از آدام اسمیت، جامعه مدنی را ابتدا با تعامل اقتصادی از طریق بازار یکی می‌داند، اما برخلاف وی آن را پرده‌ای بر فریب‌های سرمایه‌داری می‌داند که با فراهم کردن آزادی‌های ظاهری، قدرت طبقه حاکم را تثبیت می‌کند. در درون سنت لیبرالیسم تعبیرهای متفاوتی از شهروندی و جامعه مدنی وجود دارد مثلاً در سنت لیبرالیستی، گاه جامعه مدنی، دولت و حوزه اختصاصی حقوق افراد، هردو را دربر می‌گیرد (چنانچه در نزد هابز مطرح بود)، زمانی جامعه مدنی، شامل دولت نیست بلکه تنها بخش‌هایی از جامعه را دربر می‌گیرد که در برابر دولت و محدود کننده آن است (چنان که در نزد هگل مطرح بود که جامعه مدنی را متمایز از دولت، از سوئی و خانواده از سوی دیگر در نظر گرفته بود) زمانی نیز جامعه مدنی متمایز از دولت و نیز جامعه سیاسی (احزاب و تشکلهایی که با حکومت و قدرت سر و کار دارند) است و فقط شامل روابط خصوصی میان شهروندان و تجمع غیرسیاسی آنان است (چنانکه توکویل بر آن بوده است). در طول قرن نوزده و بیست، سه پیشرفت قوی سیاسی، آموزش شهروندی را تبدیل به مهمترین موضوع برای دولت کرد و تدریس سیاست‌گذاری را در تعداد بی‌شماری از کشورها پایه‌ریزی کرد. این پیشرفت‌ها شامل تغییر و تحول در اشکال پارلمانی قانونی با حدود ثابت شهروندی می‌شد؛ حس روبه افزایش ملی‌گرایی و اخلاق‌گرایی و فرآیند استعمارزدایی هم در این زمره بودند (فراهانی، ۲۷-۲۵: ۱۳۸۹).

فرآیندهای اخیر تغییر اجتماعی که اساساً با جهانی شدن مرتبطانند، ظاهر در حال خلق فرصتی برای توسعه شهروندی پست مدرن هستند. برای مثال نیاز به حقوق بشر بسیار بیش از گذشته احساس می‌شود. آلودگی‌های زیست‌محیطی (فاجعه‌های زیست‌محیطی) یا هسته‌ای، می‌طلبند که نهادهای کنترل آن علاوه بر حقوق و مسئولیت‌ها، به فراسوی دولت‌ها گسترش یابند.

### سیر شهروندی در ایران:

انقلاب مشروطه به عنوان یکی از مهمترین تحولات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران توانست خواسته‌های به حاشیه رانده شده ایرانیان را پس از مدتها به متن آورد. یکی از مهمترین گامهای مثبتی که با انقلاب مشروطه محقق شد تغییر نگاه به مردم از رعیت به شهروند بود. پیش از آن مردم ایران در قالب رعایایی تعریف می‌شدند که اصولاً ساختار قدرت و در رأس آن پادشاه هیچ حقی برایشان قائل نبود. آنان تا اوایل قرن بیستم هم در لفظ و هم در معنا همه رعیت بودند. رعایایی که علی‌الاصول و در تحلیل نهایی از خود، رأی، اراده و استقلالی نمی‌داشتند و جان و مالشان در تحلیل نهایی در گرو تصمیمات قاهره‌ی دولت و آن بوده است (ملک زاده، ۱۳۷۳: ۴۷). اما انقلاب مشروطه این شرایط را تغییر داد. مفهوم شهروندی در سالهای منتهی به انقلاب مشروطه مورد توجه قرار گرفت و مقصود از آن عمدتاً این بود که مردم حق دارند به عنوان عضو جامعه خواسته‌های مشروع و پذیرفته شده‌ای را از

حکومت طلب کرده و برای مطالبه آن بکوشند. در مطرح شدن این مفهوم عوامل گوناگونی دخیل بودند.

عواملی همچون اصلاحات انجام گرفته در دوران امیرکبیر و میرزا حسین خان سپهسالار که گشایش فضای سیاسی و سهولت در انتقاد از حکومت را در پی داشت، مخالفت با امتیاز رژی و ایستادگی در برابر حکومت با رهبری روحانیونی همچون آقاجانی اصفهانی و میرزای شیرازی که به لغو این امتیاز و در نهایت تضعیف قدرت حکومت انجامید؛ قتل ناصرالدین شاه به دست میرزا رضا کرمانی که موجب شد برای نخستین بار شاه در ایران به دست فردی عادی و در فضایی خارج از جنگ قدرت کشته شود و قداستش محل تردید قرار گیرد. یکی دیگر از مولفه های مهم آگاهی بخشی به مردم، ترجمه آثار و انتشار روزنامه های بسیار در این دوره بود. انتشار بیش از ۱۶۰ عنوان کتاب و روزنامه و همچنین افزایش آگاهی شماری از مردم در دهه های پایانی قرن سیزده بود که به قول آبراهامیان موجی از تجددخواهی در کشور به راه افتاد (آبراهام، ۱۳۹۲: ۷۵).

این نوشته ها و پیچیدن فضای انتقاد در میان بخشی از جامعه ایرانی به ویژه جمعیت شهری، ذهنیت مردم را نسبت به قدرت و حاکمیت تغییر داد و سطح مطالبات اجتماعی را به ویژه در میان نخبگان و روشنفکران بالا برد. با توجه به این زمینه ها بود که مردم ایران در انقلاب مشروطه خواستار حقوق شهروندی خود شدند. حقوقی که در قانون اساسی مشروطه نیز نمود یافت. در کل، انقلابیون ایرانی در مشروطه خواستار تحقق یک نظام سیاسی مبتنی بر «آزادی، عدالت، دموکراسی و حکومت قانون» بودند (کانونیان، ۱۳۷۴: ۱۰۰).

### حق شهروندی در قانون اساسی مشروطه

فرمان مشروطه و به دنبالش قانون اساسی مشروطه بالأخره پس از مبارزات فراوان مردم ایران در سال ۱۲۸۵ شمسی به امضای مظفرالدین شاه و تایید مجلس شورای ملی رسید تا خواسته دیرینه مردم در خصوص وجود قانون در کشور محقق شود. قانون اساسی مشروطیت از نظر حقوقی جایگاهی برای دیکتاتوری باقی نمی گذاشت، در اصل بیست و ششم متمم قانون اساسی مشروطه، حکومت و اساس آن را بر رأی مردم دانسته و تکیه گاهی جز اراده مردم برای آن قائل نبود (ملائی، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

### ناکامی حقوق شهروندی در عمل

پس از اجرایی شدن قانون مشروطه، در زمان حکومت قاجار تنها عده ای محدود توانستند از امتیازات قانونی و حق شهروندی خود به ویژه حق رای دهی بهره مند شوند. این امر به دلیل محدودیتهایی بود که در این زمینه وجود داشت. در دوره یکم قانون گذاری، انتخابات صنفی بود یعنی فقط شش گروه (۱- شاهزادگان و قاجاریان، ۲- علما و طلاب، ۳- اعیان و اشراف، ۴- بازرگانان، ۵- زمین داران ۶- کشاورزان) حق رای داشتند. نکته آن که به موجب نظام-نامه انتخابات کشاورزان و زمین داران را یک

گروه به نام ملاکین و فلاحین به حساب آوردند. نکته دیگر آنکه در تهران اعیان و اشراف از حق رأی محروم بودند و تنها پنج گروه در انتخابات حق شرکت داشتند (رحیمی، ۱۳۷۸: ۷۰). علاوه بر این زنان نیز به کل از حق رأی‌دهی محروم بودند و به این ترتیب در زمان حکومت قاجارها بسیاری از ایرانیان عملاً امکان برخورداری از حقوق شهروندی را پیدا نکردند و پس از آن هم ناامنی و بی‌ثباتی عاملی شد تا حقوق شهروندی دیگر در اولویت خواسته‌های اجتماعی نباشد. بدین ترتیب سالهای پس از مشروطه با آشفتگی اجتماعی، ناامنی، شورشهای محلی و نغمه‌های جداسری همراه شد و رهاوردهای جنبش مشروطه بدون اینکه به ملت‌سازی بینجامد در چارچوب دولت‌سازی در نهایت با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ از حرکت باز ایستاد و دولت خودکامه پهلوی بر بستر چنین تحولاتی برپا شد (اطاعت، ۱۳۸۵: ۷۱).

با روی کار آمدن پهلوی اول، رضاشاه به سرعت در مسیر مخالف آرمانهای مشروطیت از جمله حق تعیین سرنوشت و اصولی همچون آزادی عقیده، آزادی بیان، تساوی در مقابل قانون، مصونیت جان و مال و مسکن و شغل از تعرض و حق دادخواهی برآمد. در این دوران تنها نمادها و ظواهری از انقلاب مشروطه و حق شهروندی باقی مانده بود. می‌توان مدعی شد در دوران پهلوی اول اگرچه قانون اساسی و نهادهای دموکراتیک باقی ماندند و در ظاهر انتخابات برگزار می‌شد اما به واقع تمام آنها صوری بوده و انتخابات فرمایشی، خودکامگی رضاشاهی را در ۲۱ آذر ۱۳۰۴ در ایران نهادینه کرد. تداوم حکومت خودکامه نیز با دستکاری در انتخابات مجالس ششم تا سیزدهم امکان پذیر شد (همان: ۹۱).

این شرایط در دوران پهلوی دوم نیز با وجود فراز و نشیبهایش همچنان باقی ماند. مجالس به صورت مرتب تشکیل می‌شدند اما نمایندگانش را نه ملت که در واقع شاه انتخاب می‌کرد. احزاب سیاسی وجود داشتند اما نام، رهبران و اهدافشان را نه مردم بلکه شاه تعیین می‌کرد. آزادی بیان با سیاست مشت آهنین پاسخ داده می‌شد و زندان پیش روی کسانی بود که خواهان حقوق شهروندی خود در معنای واقعی کلمه بودند. به این ترتیب می‌توان گفت که در سالهای پس از مشروطه تنها سیاهه‌ای از حقوق شهروندی بر روی کاغذ باقی مانده بود.

به این ترتیب با گسترش شکاف دولت-ملت در سالهای پس از مشروطه مردم ایران برای تحقق عملی حقوق شهروندی خود مدت‌ها چشم انتظار ماندند. خواسته‌ای که در نهایت با انقلاب مردمی ایران در سال ۱۳۵۷ دوباره احیا شد. جمهوری، دین، دموکراسی و شهروندی (ایجاد شهروندی) پس از مشروطه (همان).

#### پیشینه تحقیق:

جامعه ما بیش از یک صد سال است که قانون‌گذاری و البته قانون‌گریزی را تجربه کرده است. حال معلوم نیست که چرا مردم ما این چنین گرایش به تجربه قانون‌گریزی دارند. از این رو جا دارد که بپرسیم: چه زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی پتانسیل قانون‌گریزی را در جامعه ما تقویت می‌کند؟ آیا

قوانین ما متناسب با شرایط و نیازهای امروز ما نیست؟ یا ما عادت کرده ایم که خود را متفاوت یا فراتر از دیگران دانسته و به اصطلاح معروف «قانون را برای دیگران خوب می دانیم؟» (جوادی یگانه، دیگران: ۱۳۸۹).

در اینجا می توان گفت، مسئولیت گریزی اگرچه ممکن است مشابه با قانون گریزی باشد، اما در قانون گریزی بعثت وجود قوانین، دستگاه های اجرایی جهت شناسایی مجرمین و قضاوت افراد و مجازات آنان از طریق قانون بطور عینی وجود دارد و قابل پیگیری است، به عبارتی میتوان گفت شناسایی قانون گریزی و اعمال مجازات و اصلاح و تادیب افراد عینی تر از شناسایی و مجازات مسئولیت گریزی است، موضوع مسئولیت پذیری و یا مسئولیت گریزی، تلاقی بین کنش، نگرش و رفتار است، یا وجدان، اخلاق و فعالیت مثبت و مشارکت. بطوری که مشاهده می کنیم افراد و شهروندان قانون گریز را می توان بعثت تخطی از قانون مجازات کرد، اما آیا به همین شفافیت افراد را بعثت مسئولیت گریزی از تعهدات و وظایف آنها چه در زندگی فردی و چه در زندگی اجتماعی می توان مجازات کرد؟ و در واقع پیامدهای مسئولیت گریزی چیست؟ در ایران بطور مشخص به موضوع مسئولیت گریزی شهروندی تا کنون پرداخته نشده است و مطالعات انجام شده معدودی در این راستا از منظر قانون گریزی، مسئولیت اجتماعی، حقوق و تعهدات شهروندی صورت گرفته است که در ادامه پژوهش های داخلی و خارجی مرتبط و به موضوع تحقیق آورده شده است.

**et & NUANS (2016)**، در تحقیقی با "عنوان" مطالعه چند منظوره شهروندی مسئولیت پذیر در بین دانش آموزان پایه متوسطه تایلند"، ساخت چند بعدی از شهروندی مسئولیت پذیر را ارائه می دهد، بطوریکه در سه بعد دانش، مهارت و نگرش انجام پذیرفته در بعد دانش ۴ سطح تعریف، توصیف، تجزیه تحلیل و ارزیابی، ابعاد مهارت شامل ۳ سطح تقلید، مشارکت، و مدل نقش می باشد، ابعاد نگرش به ترتیب شامل ۳ سطح یعنی ادراک، ارزش و آگاهی بوده و با اعتبار بالای به ترتیب ترتیب ۹۵،۴، ۱، ۹۰ و ۸۹،۵ حاصل شده است. نتایج نشان می دهد که بررسی شهروندی مسئولیت پذیر در چند بعد نسبت به مدل یک بعدی و یا دو بعدی نتایج قابل اعتمادتری را دارا می باشد (نمودار شماره ۱).



نمودار شماره ۱-ابعاد تشکیل‌دهنده شهروند مسئولیت‌پذیر. ترسیم نگارنده

از میان پژوهش‌های تجربی، تحقیق شیانی (۱۳۸۲) به عنوان کاری جامع در ابتدای این دهه به "بررسی وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران" پرداخته است. این مطالعه به آگاهی مفهوم شهروندی در بستر تاریخ از دوران باستان تا به امروز پرداخته و در بخش میدانی، شهروندی را در مؤلفه‌های موقعیت، احساس و عمل در سه شهر تهران، همدان و زاهدان بررسی کرده است. یافته‌ها حاکی از آن است که شهروندی در این سه شهر در حد کم و متوسط تحقق یافته است (۲۶/۶٪ کم، ۴۹٪ در حد متوسط و ۲۴/۴٪ در حد زیاد). اما میزان تحقق به شکل پیوستاری در میان جوامع قابل مشاهده است به طوری که بیشترین میزان تحقق شهروندی در تهران و کمترین حد آگاهی و عمل به حقوق و وظایف شهروندی در زاهدان به دست آمده و همدان در حد میانی قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، شهروندی در مناطق مختلف ایران به طور یکسان تحقق نیافته و می‌توان درجات متفاوتی را با توجه به عناصر و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن مشاهده کرد. در مجموع تحقق شهروندی در شهر تهران، متوسط (۴۹،۳٪) ارزیابی شده است. به منظور خلاصه نمودن تحقیقات انجام شده ادامه پیشنهاد تحقیق در جدول شماره ۲، آورده شده است.

جدول شماره ۲- خلاصه پیشنهاد تحقیق‌های داخلی و خارجی

نویسنده	سال	عنوان	نتایج تحقیق
شیانی	۱۳۸۲	بررسی وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران	شهروندی در مناطق مختلف ایران به طور یکسان تحقق نیافته و می‌توان درجات متفاوتی را با توجه به عناصر و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن مشاهده کرد. در مجموع تحقق شهروندی در شهر تهران، متوسط (۴۹،۳٪) ارزیابی شده است.



<p>در مجموع بر اساس نتایج پیمایش ملی، در سال ۷۹ میزان ۵۶ درصد پاسخگویان به کمیابی انصاف در جامعه تأکید می کردند. در سال ۷۹ حدود ۴۵ درصد به کمیابی پایبندی به قول و قرار معتقد بودند و این در سال ۱۳۸۲ به ۴۹ درصد رسیده است. در سال ۱۳۷۹ حدود ۶۸ درصد گفتند که در جامعه ما دورویی و تظاهر وجود دارد. ۷۴ درصد از پاسخگویان در سال ۷۹ ارواح تقلب و کلاهبرداری را بیان نموده اند که در سال ۸۲ به ۷۵ درصد رسیده است.</p>	<p>صفات و خلقیات ایرانی ها</p>	<p>۱۳۸۲</p>	<p>پیمایش ملی در دو سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲</p>
<p>به شرح برخی از خصلت های نامطلوب و مطلوب از قبیل: دروغگویی، پنهان کاری، خودپسندی، ترس و خلقیات مثبت ایرانیان مثل هوشمندی، خوش گفتاری، مهربانی می پردازد.</p>	<p>انواع خلقیات ناپسند ایرانی ها</p>	<p>۱۳۸۵</p>	<p>جمال زاده</p>
<p>این تحقیق ساخت چند بعدی از شهروندی مسئولیت پذیر را ارائه می دهد، بطوریکه در سه بعد دانش، مهارت و نگرش انجام پذیرفته است و نتایج نشان می دهد که بررسی شهروندی مسئولیت پذیر در چند بعد نسبت به مدل یک بعدی و یا دو بعدی نتایج قابل اعتمادتری را دارا می باشد.</p>	<p>مطالعه چند منظوره شهروندی مسئولیت پذیر در بین دانش آموزان پایه متوسطه تابند</p>	<p>۲۰۱۶</p>	<p>Nuansri&amp; et</p>
<p>(هوج، ۱، ۲۰۰۲) بونله و همکاران (۲۰۱۴) در این تحقیق به این نتیجه می رسند که پاداش های ذهنی و غیر مادی برای عموم مردم بر بی تفاوتی موثر است و نیز زمانی که این پاداش ها کوچک و بی ارزش باشند از تلاش فرد کاسته می شود و او بی تفاوت می گردد.</p>	<p>خواص تلاش و پاداش در مکانیزم های بی تفاوتی</p>	<p>۲۰۰۲</p>	<p>Hodge</p>

در ادامه، بر اساس مطالعات صورت پذیرفته، سیر شهروندی در ایران و پیشینه تحقیق، با بهره‌گیری از سه مولفه‌ی کنش جمعی، قصدهای رفتاری و رویکردهای مشارکتی، روند شکل‌گیری مفهوم مسئولیت‌گریزی شهروندی ارائه می‌گردد.

### مبانی نظری تحقیق

#### کنش جمعی

رابطه بین قدرت به خصوص در مقیاس جمعی آن در قالب قدرت گروه یا مجموعه‌های دیگر خود را نشان می‌دهد، کنش جمعی اعضای یک گروه یا مجموعه موضوعی است که صاحب‌نظران مبحث قدرت در چارچوب مسئله کنش جمعی<sup>۱</sup> آن را مورد بحث قرار داده‌اند. به نظر اولسون (۱۹۷۱) مادام که افراد عضو یک گروه اندک نباشند، یا از فشار و یا تمهید ویژه دیگری استفاده نشود تا در جهت منتفع مشترک عمل کنند، افراد معقول و جویای منافع شخصی، در جهت دستیابی به منافع مشترک یا گروهی عمل نخواهند کرد (غفاری به نقل از دودینگ). به نظر دودینگ<sup>۲</sup> مسئله کنش جمعی مسئله‌ای است که از وضعیت و چگونگی دو حوزه که عبارتند از حوزه تقاضا و عرضه تاثیر می‌پذیرد. در حوزه تقاضا کنش جمعی درگیر با چند موضوع و مسئله است که هر کدام در اقدام به کنش جمعی تاثیر گذارند که عبارتند از:

- ۱- **سواری مجانی یا مفت خوری**<sup>۳</sup>: معمولاً کالاهای جمعی یا خیرعمومی حاصل اقدام‌های فرافردی، جمعی و نهادی هستند که یکی از ویژگی‌های آنها حذف ناپذیری شان می‌باشد به این معنا که استفاده از این کالاها مختص تولیدیه عرضه‌کنندگان آنها نیست بلکه همگان از آنها استفاده می‌کنند. به عبارتی دیگر کسانی که در عرضه و تولید این کالاها مشارکتی نداشته و سهم و هزینه‌ای پرداخت ننموده‌اند نیز بهره‌مند از این کالاها و خدمات می‌شوند. در نتیجه سازوکار حذف ناپذیری و استفاده همگانی پاره‌ای از افراد را از ورود به کنش جمعی بازمی‌دارد.
- ۲- **شناخت منافع**: درک درست و مناسب و آگاهی از چگونگی تامین منافع شرطی مهم برای ورود به اقدام جمعی و مشارکتی است.
- ۳- **هزینه‌های نسبی**: چنانچه هزینه‌های مشارکت در کنش جمعی کمتر از منافع حاصل از کالاهای جمعی باشد افراد اقدام به مشارکت در کنش جمعی خواهند نمود و در صورت عکس از ورود به فرایند مشارکت امتناع خواهند نمود.

<sup>۱</sup> The Collective action problem

<sup>۲</sup>Dowding

<sup>۳</sup> The Free rider problem

۴- اندازه گروه: معمولا هرچه اندازه گروه بزرگ تر باشد مسئله هماهنگی در گروه دشوارتر خواهد بود. مهم تر اینکه اندازه گروه از دو جهت واجد اهمیت است. نخست بالا بودن میزان مشارکت های فردی است که مسئله مفت خوری یا سواری مجانی را افزایش می دهد. دوم اینکه هرچه گروه بزرگتر باشد سهم فرد در موفقیت گروه کم اهمیت تر به نظر می رسد.

۵- همگونی گروه: هرچه گروه همگون تر باشد، کشف اولویت های مشترک آن آسانتر، پرسش های میان گروهی کمتر و منابع کشمکش در گروه نیز ضعیف تر است در نتیجه اقدام به کنش جمعی آسان تر است.

۶- کنش متقابل گروه: با افزایش کنش متقابل در بین اعضای گروه امکان و اقدام به کنش جمعی تسهیل تر و روان تر می شود.

۷- مخالف: هرچند که وجود گروه رقیب می تواند در حکم محرکی برای کنش جمعی باشد. لیکن در نقطه شروع وجود گروه رقیب و مخالف موجب تقویت شکاف های درون گروهی و افزایش هزینه های بسیج و اقدام جمعی می شود.

۸- هماهنگی: هماهنگی به عنوان ویژگی یک گروه یا مجموعه می تواند اقدام به کنش جمعی را تسهیل و توییت نماید.

در حوزه عمومی نیز ویژگی هایی وجود دارد که به کنش جمعی کمک می کنند که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱- دولت؛ دولت با حقوقی که برای بسیج گروهی قابل می شود، کنش جمعی را امکانپذیر می سازد. حقوقی از قبیل آزادی اندیشه، آزادی بیان و آزادی تشکیل سازمان هایی که منافع مشترکی را نمایندگی می کنند، جملگی هزینه های بسیج را کاهش می دهند. علاوه بر این، دولت از طریق سازوکارهایی چون تامین هزینه های کنش جمعی، سعه صدر که در برابر تلاش گروه های ذی نفوذ نشان می دهد و نیز دیگر اقدامات ترغیبی کنش جمعی را تسهیل می نماید.

## ۲- کارفرمایان و فعالان سیاسی و فرهنگی

کمک کارفرمایان و فعالان سیاسی فرهنگی برای ایجاد هماهنگی و تقلیل تعارض و شکاف های درون گروهی و بین گروهی نیز به تقویت کنش جمعی کمک می کند.

## ۳- تبلیغ آرمان ها:

ترغیب مردم به دنبال نمودن منافع جمعی و اولویت دادن به فعالیت های گروهی و مشارکتی نیز تسهیل کننده اقدام و کنش جمعی است.

#### ۴- اقدام و فعالیت مشترک:

از منابع مهم بسیج، کنش مشترک است که در آن یک گروه از گروه دیگر حمایت می‌کند (غفاری و نیازی: ۱۳۸۶، ۱۶۷-۱۷۰).

همان‌طور که در بالا آورده شد در بحث مربوط به کنش جمعی؛ شناخت منافع، همگونی، رابطه متقابل فرد در گروه، ساختارها و قدرت‌های کلان نقش تعیین‌کننده‌ای دارند و نگرش عمومی به یک فعالیت مشترک و متقابلاً واکنش نسبت به آن امر را بوجود می‌آورند.

موضوع بعدی که در واکنش شهروندان و پاسخ‌گو بودن یا پاسخگو نبودن آنها در امور مشترک و نوع مسئولیت آنها را مشخص می‌کند بحث تئوری منطقی و قصدهای رفتاری آنان است.

#### تئوری عمل منطقی و رفتار برنامه‌ریزی شده

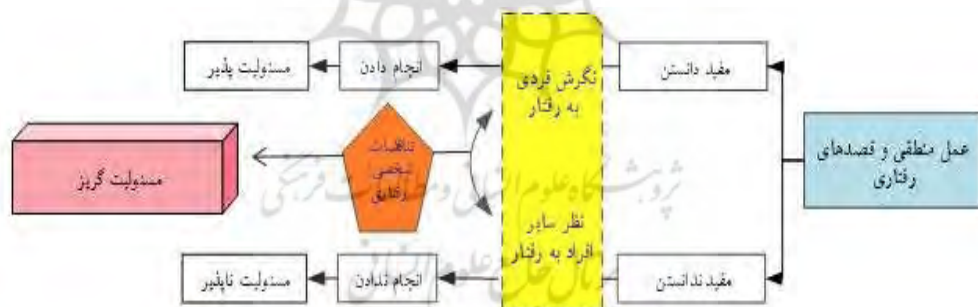
این تئوری چارچوبی برای مطالعه نگرش‌ها از طریق رفتارها فراهم می‌کند. بر طبق این تئوری مهمترین عوامل تعیین‌کننده رفتار شخص، قصد فرد است که منجر به انجام یک رفتار می‌شود و ترکیبی از نگرش نسبت به انجام رفتار و هنجارهای ذهنی می‌باشد. نگرش فرد نسبت به رفتار شامل؛ عقیده رفتار بارز، ارزشیابی از نتایج رفتار و هنجارهای ذهنی شامل عقیده هنجاری و انگیزه اطاعت است. قصدهای رفتاری، رفتار را به طرف نتایج قطعی و ارزشیابی از نتایج که میزان مطلوب بودن نتیجه را نشان می‌دهد، هدایت خواهد کرد. در واقع نگرش نسبت به رفتار، به ارزشیابی مثبت یا منفی شخص از انجام رفتار بر می‌گردد. آحاد مردم نسبت به یک مسأله نگرش‌های متفاوتی دارند. ممکن است نگرش فردی در رابطه با انجام رفتاری مثبت ولی نگرش فرد دیگر نسبت به انجام همان رفتار منفی باشد. بنابراین نخستین عاملی که بر روی قصد، اثر دارد «نگرش نسبت به رفتار» است که چنانچه فرد انجام رفتاری را مفید بداند، آن را انجام می‌دهد و چنانچه انجام رفتار را مضر بداند از انجام آن خودداری می‌کند. در هر حال انجام یا عدم انجام رفتار، معطوف به قضاوت شخص می‌باشد. شخصی که اعتقاد دارد انجام عملی برایش نتیجه مثبت دارد، نسبت به نتیجه رفتار و انجام آن گرایش مطلوب خواهد داشت و عکس آن نیز صادق می‌باشد. بنابراین اعتقادات در تشکیل نگرش‌ها و همچنین در رابطه با نتایج رفتار و ارزشیابی نتایج رفتار موثر هستند. بنابراین وقتی فردی می‌خواهد برای انجام کاری قصد نماید. ممکن است تحت تأثیر یکی از عوامل هنجارهای ذهنی و نگرش نسبت به رفتار و یا هر دوی این عوامل قرار گیرد. تئوری عمل منطقی به این شکل مطرح می‌شود که رفتار یک شخص بستگی به نگرش وی به یک رفتار خاص و چگونگی نظر سایر افراد نسبت به آن رفتار دارد. هر دوی این‌ها عواملی هستند که قصد رفتاری یک شخص را و اینکه آیا فرد رفتاری را انجام بدهد یا انجام ندهد، تعیین می‌کند. تئوری عمل منطقی در مورد رفتارهایی که تحت کنترل ارادی فرد هستند، بیشترین موفقیت را دارد اگر رفتارها کاملاً تحت کنترل ارادی فرد نباشند اگر چه ممکن است به میزان بالایی به وسیله نگرش‌های فرد و هنجارهای ذهنی او برانگیخته شده باشد، با مداخله شرایط محیطی ممکن است، واقعاً انجام رفتار

میسرنشود. تئوری رفتار برنامه ریزی شده بر اساس پیش بینی رفتارهایی که افراد کنترل ارادی کاملی بر آن ندارند، توسعه یافته است. کنترل رفتاری درک شده نشان می دهد که تا چه حد یک فرد احساس می کند انجام یا عدم انجام رفتار تحت کنترل ارادی قرار دارد. اگر فرد عقیده داشته باشد که منابع یا فرصت های انجام رفتاری را ندارد، احتمالاً قصد قوی برای انجام رفتار نخواهد داشت اگر چه نگرش های مثبت نسبت به رفتار داشته باشد و حتی عقیده داشته باشد که افراد مهم هم آن رفتار را تصویب می کند (هنجارهای ذهنی). کنترل رفتاری درک شده می تواند به طور مستقیم و غیر مستقیم از طریق قصد رفتار، رفتار را تحت تأثیر قرار دهد. هم خوانی درک از کنترل و کنترل واقعی شخص بر روی رفتار واقعی شخص بر روی رفتاریک مسیر مستقیم از کنترل رفتاری درک شده به رفتاری است که انتظار می رود؛ آشکار شود (اسلام زاده، ۱۳۸۲، ۳۱۲). رابطه بین احساسات ما و اعمالمان در یک زمینه وسیع تری جای دارد. نگرش ها یک عامل تعیین کننده رفتار اجتماعی می باشند اما تعیین کننده های دیگری نیز وجود دارند. این محدودیت ها بر اساس تئوری فیش باین<sup>۱</sup> (۱۹۸۰) تحت عنوان عمل عاقلانه شکل گرفته که آجزن<sup>۲</sup> (۱۹۹۱) آن را گسترش داد و نظریه رفتار برنامه ریزی شده نامید. این نظریه معتقد است که نگرش ها بر روی رفتار بر اساس یک تصمیم داوطلبانه که در طی فرآیندی محدود می شوند تأثیر می گذارند. ابتدا اینکه، رفتار کمتر از نگرش های کلی بیشتر از نگرش ها نسبت به یک رفتار خاص متأثر خواهد شد. دوم اینکه رفتار تنها به وسیله نگرش ها متأثر نمی شوند بلکه به وسیله ی هنجارهای ذهنی یا باورهای ما درباره آنچه دیگران فکر می کنند و ما باید انجام دهیم نیز متأثر می شوند. سوم اینکه نگرش ها، رفتار ما را تنها هنگامی که ما آنها را ادراک می کنیم و تحت کنترل خودمان در می آوریم، برانگیزند. چهارم اینکه اگر چه نگرش ها همراه با ایده های ذهنی و کنترل ادراکی سهم در انجام رفتار دارند، مردم غالباً نمی توانند بر اساس قصد رفتار نمایند (کریمی و همکاران، ۱۳۸۴: ۷۲). به طور کل باید گفت در تئوری عمل منطقی و تئوری رفتار برنامه ریزی شده، قبل از ایجاد فوری رفتار، به قصد های رفتاری توجه شده است. این عقیده وجود دارد که هرچه قصد یک فرد برای انجام یک عمل خاص قوی تر باشد، موفقیت بیشتری را می توان انتظار داشت. قصدها، عملکرد خاموش عقاید و یا اطلاعات هستند و مشخص می کنند که آیا انجام یک رفتار خاص، منجر به نتیجه خاص خواهد شد یا خیر، البته قصدها می توانند در طول زمان دستخوش تغییرای شوند. هرچه فاصله زمان بین قصد و رفتار طولانی تر شود احتمال بیشتری وجود دارد که وقایع پیش بینی نشده، تغییراتی در قصدها ایجاد نمایند (اسلام زاده، ۱۳۸۲، ۳۱۴).

<sup>۱</sup> - Fish bein

<sup>۲</sup> - Ajzen

همانطور که در تئوری عمل منطقی آورده شد، نیت‌ها و قصد‌های رفتاری بر اساس میزان مفید بودن یا نبودن نتیجه در انجام دادن و یا انجام ندادن آن رفتار برای هر فرد صورت می‌پذیرد. که در این مورد سه حالت بوجود می‌آید: حالت اول، فرد آن قصد رفتاری را انجام میدهد چون آن را مفید می‌داند و در نتیجه مسئولیت خود را نسبت به آن موضوع انجام داده است که در این موقع مسئولیت‌پذیر نامیده می‌شود. در حالت دوم، فرد آن قصد رفتاری را مفید نمی‌داند و با وجود اینکه آن رفتار یا عمل از نظر دیگران مفید بوده و مورد پذیرش عمومی و هنجارهای ذهنی است، از آنجا که از نظر شخصی نتیجه آن را مفید نمی‌داند، از انجام آن خودداری می‌کند که در این مورد فرد از نظر دیگران مسئولیت‌ناپذیر نامیده می‌شود. اما آنچه در اینجا قابل‌تأمل است حالت سوم می‌باشد، موقعی که فرد آن رفتار و قصد منطقی را مفید می‌داند اما تمایلی به انجام آن ندارد چون با بازخورد منفی و یا تمسخر، از سوی دیگران، جمع یا گروه مواجه می‌شود که در اکثر این موارد ناشی از نگرش دیگران به آن رفتار است. به نحوی که فرد به دنبال راهی است برای دورزدن، و دریافت عنوان زرنگی از سوی دیگران که در این مورد او از انجام مسئولیت به نوعی با پوشش زرنگی فرار کرده است، که مسئولیت‌گریز نامیده می‌شود. پس میتوان گفت نگرش فرد به رفتار منطقی و نظر و بازخورد دیگران نسبت به انجام دادن یا انجام ندادن آن عمل منجر به مسئولیت‌گریزی فرد می‌شود (نمودار شماره ۲). البته در اینجا مجدد به تاثیر عوامل ساختاری و کلان که در بحث کنش جمعی آورده شد و در شکل‌گیری نگرش فردی و جمعی موثر است نیز باید توجه کرد.



نمودار شماره ۲- قصله‌های رفتاری و نوع مسئولیت

### رویکردهای نظری چگونگی مشارکت در ایران

بلحاظ نظری به رغم موضوع، نظرگاه‌های گوناگونی در خصوص چگونگی مشارکت در ایران وجود دارد که از میان آنها می‌توان به سه دیدگاه اساسی اشاره کرد.

(۱) در دیدگاه اول، ایرانیان اساساً فردگرا و غیر مشارکتی معرفی شده‌اند. صاحب‌نظران این دیدگاه معتقدند ایرانیان به واسطه ساخت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارای روحیه فردگرایی و قبیله‌گرایی بوده و اکثریت مردم اعتقادی به مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها و امور اجتماعی نداشته‌اند. صاحب‌نظران

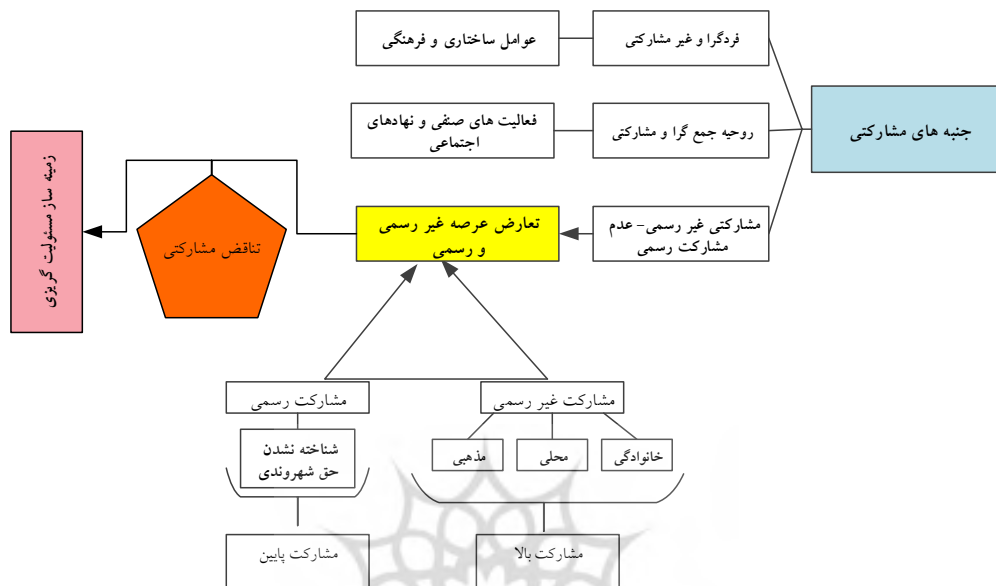
این دیدگاه در ارتباط با عدم تحقق توسعه در ایران به عواملی چون حاکمیت دائمی حکومت های مستبد، انحصار و تسلط دولت بر مالکیت، عدم تضمین امنیت و ناپایداری اوضاع، وضعیت طبقات اجتماعی و وابستگی آنها به حکومت، عدم امکان تحرک اجتماعی، فقدان قانون و حقوق شهروندی، وجود مشروعیت مبتنی بر قهر و غلبه، تمرکز قدرت در دست دولت و فقدان گروههای اجتماعی و اقتصادی مستقل از دولت تاکید داشته اند (کاتوزیان، ۷۳: ۱۳۷۲).

آلموند و ربا در این زمینه معتقدند ساختاراستبدادی فرهنگ سیاسی عاطفی پاتریمونیال در جوامع شرقی فرصت هیچ گونه مشارکت را نمی دهد. از نظر معتقدان این دیدگاه، ساختار استبدادی سلطنتی در طی ۲۵ قرن به هیچ وجه اجازه مشارکت فعال اجتماعی و سیاسی را به توده ها ن داده است. از این جهت شخصیت قدرت طلب، گویی اساس جامعه ایرانی بوده و نوعی روحیه قبیله گرایی، اسطوره سازی، گریز از قانون، مسئولیت و مشارکت اجتماعی وجود داشته است. همچنین از نظر این دیدگاه نظام اجتماعی ایران با خصیصه های فرهنگی ذهن گرایی و عدم تعادل بین ابعاد عینی و ذهنی کنش، باعث ترویج نوعی فرهنگ می گردد که در آن اصالت احساسات به جای عقل، اصالت منافع فردی و گروهی به جای منافع جمعی، اصالت منافع آتی به جای منافع آتی ترویج می گردد.

۲) در دیدگاه دوم روحیه ایرانی و شخصیت اساسی ایرانیان، روحیه و شخصیت جمع گرا معرفی شده است. در این دیدگاه میل به مشارکت و انجام کارگروهی یکی از الگوهای فرهنگی غالب در فرهنگ جامعه ایران بیان شده است. از این منظر تاریخ اجتماعی کشور ما تاریخ مشارکت و فعالیت های جمعی است و اصناف به عنوان یکی از موسسات و نهادهای اجتماعی به صورت خود جوش، غیر دولتی و داوطلبانه فعالیت داشته اند. از جنبه تاریخی تا قبل از بوجود آمدن مفهوم دولت جدید در ایران یعنی تا اواخر قرن ۱۳ اصناف و واحدهای اجتماعی بودند که قاطه مردم در آنها عضویت داشتند و فعالیت های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی انجام می دادند (غفاری و نیازی: ۱۳۸۶، ۲۱۱).

۳) در دیدگاه سوم، این نکته مورد توجه قرار گرفته است؛ که ایرانیان از دیرباز در زمینه مشارکت با تناقضی عمده روبرو بوده اند آنان در گستره تاریخ خود به علت حاکمیت زورمداری و شناخته نشدن به عنوان شهروندان صاحب حقوق، از عرصه های رسمی و اجتماعی چشم پوشیده اند و آنها را تعلق به حکومت خودکامه دانسته اند و حتی گاهی به تخریب چنین عرصه های پرداخته اند. برعکس در حیطه های غیر رسمی، یعنی خانوادگی، محلی و مذهبی قلب صدها نهاد و سازمان غیر رسمی، مشارکت ایرانیان فوق العاده بوده است. در این دیدگاه به این نکته تاکید شده است که هرچند در تاریخ ایران شاهد رشد فرهنگ تعاون و همیاری در امور اقتصادی و اجتماعی بوده ایم، لیکن مشارکت در زمینه های سیاسی و برخی از ابعاد اجتماعی از یک وضعیت حداقل برخوردار است. یعنی بندرت شاهد حضور گسترده مردم در امور سیاسی خود بوده ایم. مردم ایران تجلیات جمعی در زمینه های عاطفی و دینی

داشته‌اند، ولی از تجربه مستمر و مستقر در دخالت در امور سیاسی همچون یک حق رسمی و معمول بهره‌ای نداشته‌اند (همان: ۲۱۳).



### نمودار شماره ۳- جنبه‌های مشارکتی و تعارض عرصه رسمی و غیر رسمی

همان‌طور که در بحث رویکردهای مشارکت آورده شد و نمودار شماره ۳ نشان می‌دهد، افراد به ۳ دسته تقسیم می‌شوند، ۱- یا فردگرا بوده و تمایلی به شرکت در فعالیت‌ها و برنامه‌های مشارکتی ندارند، ۲- مشارکت‌جو بوده و تمایل به شرکت در برنامه‌ها دارند. ۳- اما آنچه که مورد بحث می‌باشد، مورد سوم است، حالتی که فرد در برخی برنامه‌ها مشارکت دارد و در برخی برنامه‌ها مشارکت ندارد، عبارتی مشارکت شهروندان و افراد در این بخش در دو عرصه صورت می‌پذیرد، عرصه رسمی و غیر رسمی. در عرصه رسمی که بیشتر به برنامه‌های نهادی، سازمان‌ها و فعالیت‌های رسمی مربوط می‌شود. در عرصه غیر رسمی مانند برنامه‌های هیئتی-مذهبی، خانوادگی و محلی را شامل می‌شود که از درصد مشارکت بالایی نیز در سطح جامعه برخوردار است. حال بحثی که مورد توجه است این است که چرا افرادی که در عرصه غیر رسمی از مشارکت بالایی برخوردارند در عرصه رسمی همکاری چندانی ندارند. و به نوعی در اینجا به فضای متضادی از جنبه‌های مشارکت می‌رسیم. که می‌توان گفت تعارض مشارکتی رخ می‌دهد، تعارض در عرصه رسمی و غیر رسمی اتفاق افتاده که متاثر از شناخته‌نشده حقوق شهروندی نیز می‌تواند باشد. و این تعارض زمینه‌ساز گریز از مسئولیت‌های رسمی حوزه شهروندی و اجتماعی می‌گردد.

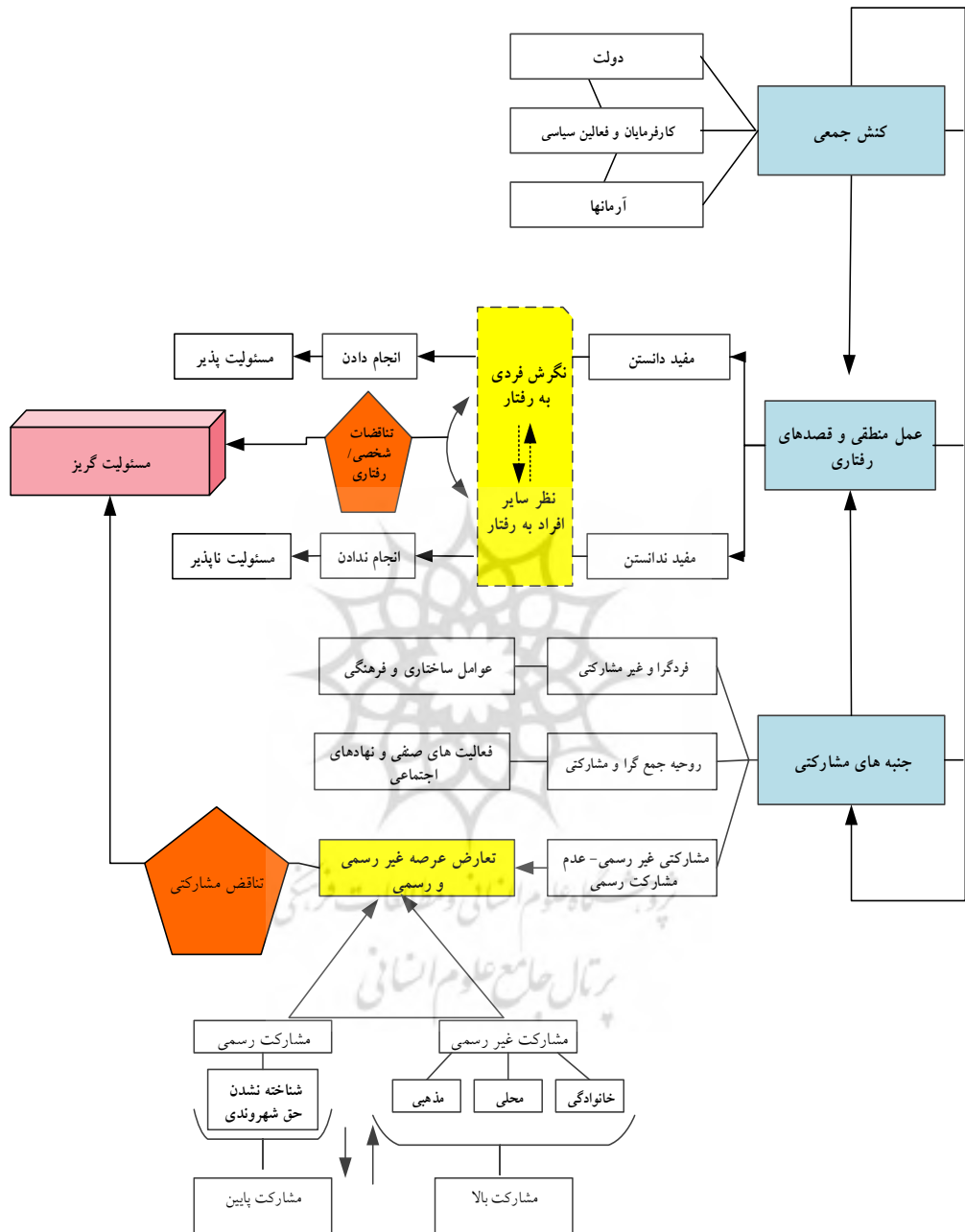


## بحث و نتیجه گیری

رابطه بین قدرت به خصوص در مقیاس جمعی آن در قالب قدرت گروه یا مجموعه های دیگر خود را نشان می دهد، به نظر اولسون (۱۹۷۱) مادام که افراد عضو یک گروه اندک نباشند، یا از فشار و یا تمهید ویژه دیگری استفاده نشود تا در جهت منافع مشترک عمل کنند، افراد معقول و جویای منافع شخصی، در جهت دستیابی به منافع مشترک یا گروهی عمل نخواهند کرد، و از آنجا که کنش جمعی از دو حوزه تقاضا و عرضه تاثیر می پذیرد. و آنچنان که گفته شد در حوزه تقاضا کنش جمعی درگیر با چند موضوع و مسئله است که هر کدام در اقدام به کنش جمعی تاثیر گذارند که عبارتند از: سواری مجانی یا مفت خوری، شناخت منافع، هزینه های نسبی، اندازه گروه، همگونی گروه و کنش متقابل گروه. از طرف دیگر در حوزه عمومی که یکی از محورهای اصلی شکل گیری نوع مسئولیت افراد می باشد و به کنش جمعی کمک می کند: دولت، کارفرمایان و فعالان سیاسی و فرهنگی را می توان نام برد که زمینه ساز نوع کنش و رفتارهای شهروندی خواهد شد. بطوریکه در تئوری عمل منطقی آورده شد، نیت ها و قصد های رفتاری بر اساس میزان مفید بودن یا نبودن نتیجه در انجام دادن و یا انجام ندادن آن رفتار برای هر فرد صورت می پذیرد. که در این مورد سه حالت بوجود می آید: حالت اول، فرد آن قصد رفتاری را انجام میدهد چون آن را مفید می داند و در نتیجه مسئولیت خود را نسبت به آن موضوع انجام داده است که در این موقع مسئولیت پذیر نامیده می شود. در حالت دوم، فرد آن قصد رفتاری را مفید نمی داند پس انجام نمی دهد البته در این مورد از نگاه عمومی و نتیجه اثر از نگاه دیگران مفید بوده است و طبق قوانین، رسوم یا عرف اجتماعی از نظر افراد باید آن عمل یا رفتار را انجام دهد اما چون فرد از نظر شخصی خود آن را مفید نمی داند از انجام آن خودداری می کند که در این مورد فرد از نظر دیگران مسئولیت ناپذیر نامیده می شود. اما حالت سوم که مورد بحث نیز واقع شد زمانی است که فرد آن رفتار و قصد منطقی را مفید می داند اما تمایلی به انجام آن ندارد چون با بازخورد منفی و یا تمسخر، از سوی دیگران، جمع یا گروه مواجه می شود که در اکثر این موارد ناشی از نگرش دیگران به آن رفتار است. البته آنچه اینجا رخ می دهد تناقض رفتاری است بین انتخاب فرد و بازخورد دیگران به آن عمل و رفتار و در صورت تمایل به تشویق دیگران با عنوان زرنگ بودن و دور زدن و مانند این ها فرد به سمت مسئولیت گریزی سوق می یابد. در محور رویکردهای مشارکتی نیز با این مورد تناقض انتخاب نیز مواجه می شویم، در آن مرحله که فرد مشارکت پذیر هست اما تمایلی به مشارکت با سازمان های رسمی و نهادهای اجتماعی را ندارد، بعبارتی فرد/ شهروند در عرصه غیر رسمی فعال و مشارکت جو است و در عرصه رسمی مشارکتی ندارد. پس نمی توان گفت که فرد مشارکت ناپذیر است بلکه بعلاوه برخی عوامی ساختاری و کلان در اجتماع و عدم تحقق برخی حقوق و از جمله حقوق شهروندی تمایلی به شرکت در برنامه ها و فعالیت های رسمی اجتماعی را نداشته و این تناقض مشارکتی را در بحث تحقق مشارکت کلی و اجتماعی شهروندان بوجود می آورد. پس در خاتمه می توان گفت تناقض های رفتاری و تناقض

های مشارکتی در فرایند شکل‌گیری مسئولیت‌گریزی شهروندی نقش ایفا می‌کنند. در ادامه در نمودار شماره ۳، فرایند شکل‌گیری مسئولیت‌گریزی شهروندی را با سه بُعد کنش جمعی، قصدهای رفتاری و رویکرهای مشارکتی ارائه می‌دهیم.





نمودار شماره ۴- فرآیند شکل گیری مسئولیت گریزی (فردی/شهروندی)

## فهرست منابع

- اسلام زاده، وحید(۱۳۸۲)،مقدمه ای بر جامعه شناسی محیط زیست،نشر سازمان سبز حزب اسلامی.
- اطاعت، جواد. ماهیت دولت در ایران، فصلنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی، ۱۳۸۵، شماره ۲۳۳-۲۳۴.
- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۹۲).ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، چاپ بیستم.
- پیران، پرویز، (۱۳۸۰). مقدمه تشریحی تحقیق پایه ای منشور تهران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- جواد یگانه، محمد رضا. فولادیان مجید، رضایی بحر آباد، حسن. (۱۳۹۳). بررسی عوامل موثر بر قانون‌گرایی در نظام اداری کشور با تاکید بر ادارات دولتی مشهد و تهران. مجله دانش‌ارزیابی، سال دوم، شماره ۵
- جمال زاده، محمد علی ( ۱۳۴۵)، خلیات ما ایرانیان، تهران: نشر فروغی
- رحیمی، مصطفی.(۱۳۷۸)، قانون اساسی مشروطه ی ایران و اصول دموکراسی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دیبا.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۲) "وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران" ( پایان‌نامه دکترا)، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- غفاری، غلامرضا. نیازی، محسن. (۱۳۸۶).جامعه شناسی مشارکت، نشر نزدیک.تهران
- فالکس، کیث،(۱۳۸۱). شهروندی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر، چاپ اول.
- کاتوزیان، همایون (۱۳۷۲) ، اقتصاد سیاسی ایران، از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، نشر مرکز، تهران.
- کریمی، یوسف، مجید صفاری نیا(۱۳۸۴). روانشناسی اجتماعی و تغییر نگرش مصرف‌کنندگان انرژی،نشریه انرژی ایران،۹(۲۲).
- گنجی محمد و دیگران، (۱۳۹۳)، تحلیلی بر فرهنگ شهروندی با تاکید بر آموزش‌های شهروندی، مجله مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال ۴
- ملائی توانی، علیرضا.(۱۳۹۱). تبیین ریشه‌های اجتماعی اقتصادی انقلاب مشروطه، تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره دوم.
- ملک زاده، مهدی،(۱۳۷۳)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران، انتشارات علمی، چاپ چهارم

- نیازی، محسن. گنجی، محمد. نامور مقدم، فهمیه. (۱۳۹۴)، عوامل اجتماعی موثر بر رضایت از زندگی مورد مطالعه شهروندان شهر کاشان، مجله برنامه ریزی و توسعه اجتماعی، تابستان ۹۶، شماره ۳۱.
- Nuansri Mesa, Tangdhanakanond Kamonwan, Pasiphol Shotiga, ( 2016 ),Development of Multidimensional Construct Map of Responsible Citizenship of Lower Secondary School Students, Future Academy®'s Multidisciplinary Conference. Procedia - Social and Behavioral Sciences 217 537 – 543
- Hodge, m (2002): the problem is allenation, not apathy, at: guardian newspapers 3/14



**Abstract**

The issue of the irresponsibility of individuals or citizens is one of the most important issues and social challenges and urban management today, where official institutions and organizations face the lack of citizen participation in the implementation of their program and social cooperation and seek ways of encouragement or punishment. They are to increase the participation of citizens and reduce their avoidance of responsibility, but this will not be achieved! Because there are duties and responsibilities for the rights of every citizen, and despite spending metropolitan and social costs on the participation of citizens in fulfilling their social responsibilities and citizenship, unfortunately, the culture of being smart, bypassing and avoiding responsibility became more apparent. Following the study of this issue in this article using documentary methods and empirical studies and taking into account the three axes of collective action, the theory of logical behaviors and participatory approaches, has been done. As shown in the article, some structural and macro factors such as citizenship rights, the issue of collective action and behavioral and participatory contradictions (formal and informal arena) play a role in the process of formation of citizenship aversion, which in the form of the model is provided.

**Keywords:** *Irresponsibility, Citizenship, Rational Behavior, Participatory Contradiction, Process.*